

۲۰

آموزش سواد مالی - سطح یک
پیش دبستانی و دوره اول دبستان



فقط من و بابابزرگ

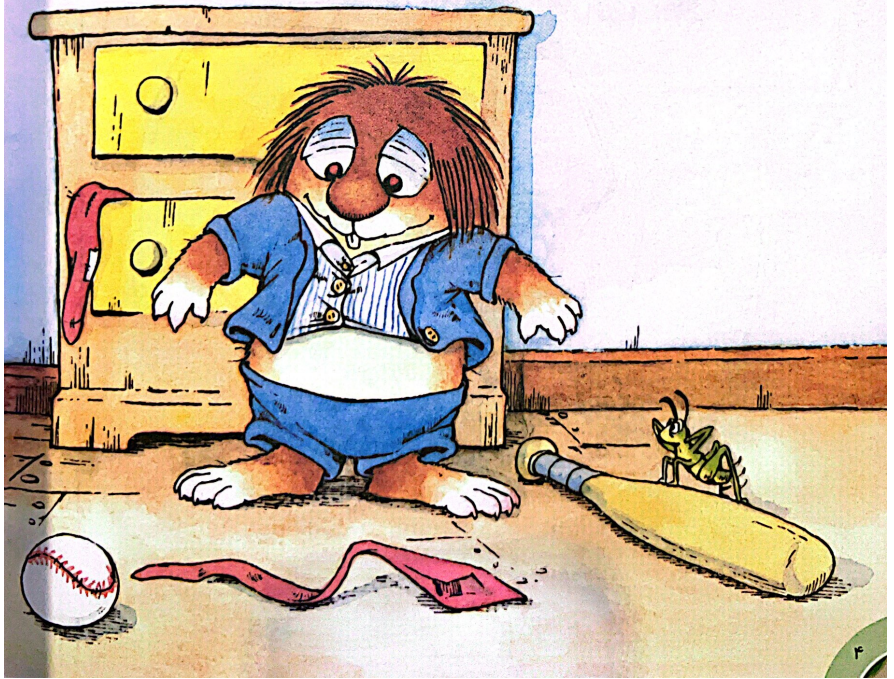


نویسنده و تصویرگر: مرسر میر

مترجم: آکادمی هوش مالی



مامان گفت من یک دست کت و شلوار جدید لازم دارم.



Scanned with CamScanner



Scanned with CamScanner

برای همین، من و بابابزرگ به شهر رفتیم
تاکت و شلوار بخریم.



Scanned with CamScanner

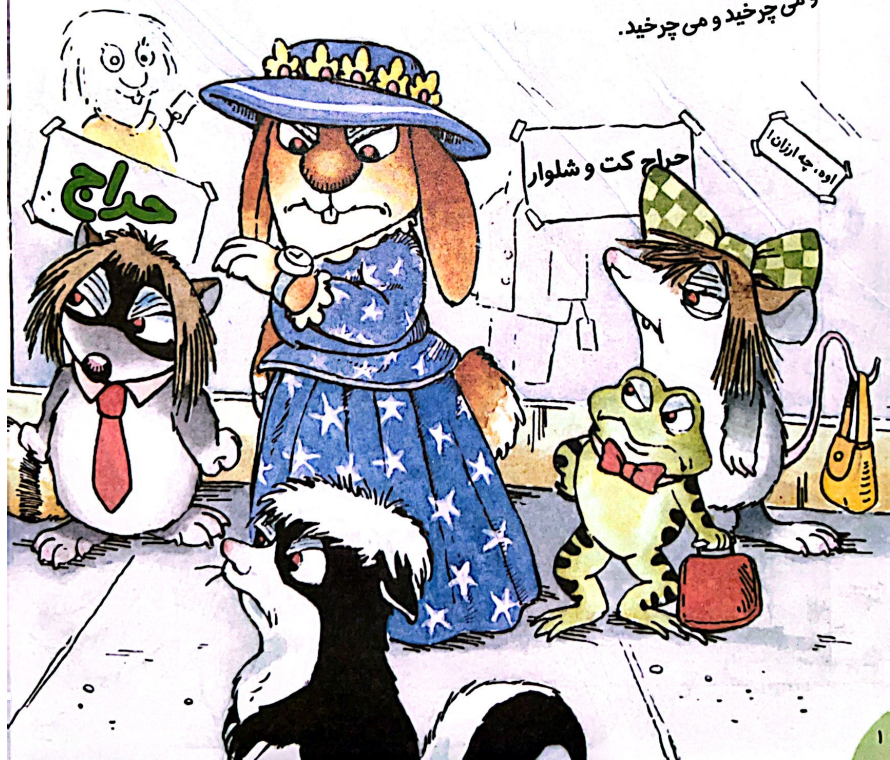


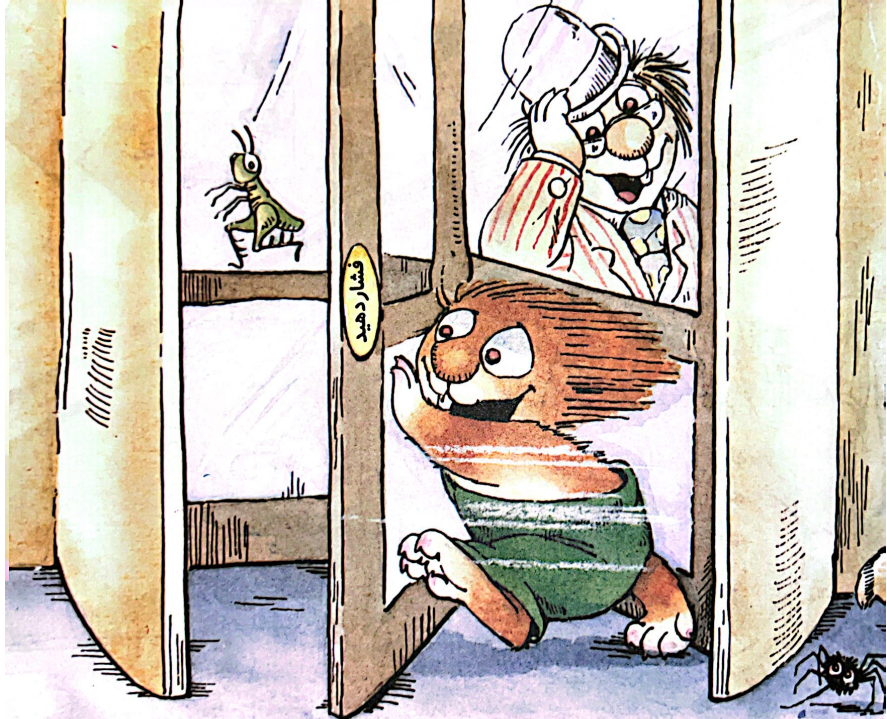


Scanned with CamScanner



به فروشگاه بزرگ رفتیم. در چرخان فروشگاه همین طور می چرخید
و می چرخید و می چرخید.





ما هم با آن چرخیدیم.
من و بابابزرگ

طبقه‌ی دوم

اسباب بازی



من دست بابای بزرگ را گرفتم تا گم نشود.

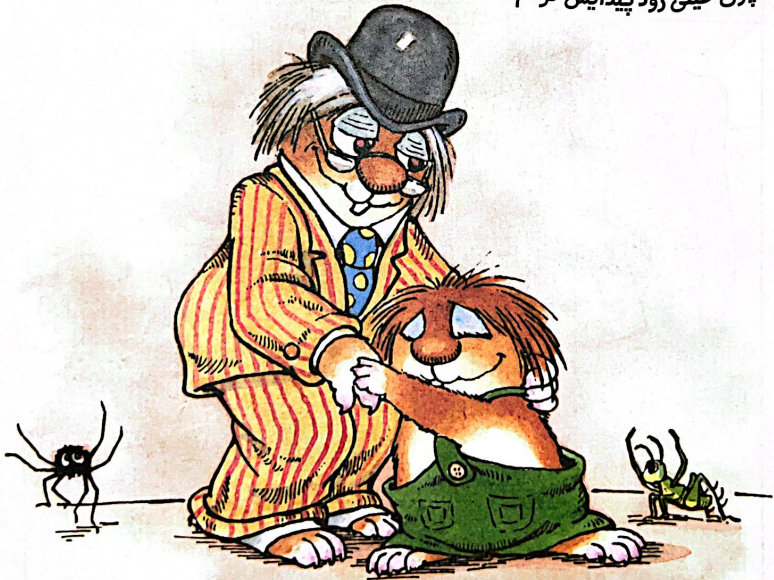


اما او گم شد.



بابا بزرگ شانس آورد.

چون خیلی زود پیدایش کردم.





من همه‌ی کت و شلوارها را دیدم و
بالاخره چیزی را که می‌خواستم، پیدا کردم.





Scanned with CamScanner



کت و شلوار جدیدم را پوشیدم و بابابزرگ گفت:
«خیلی خوش تیپ شده‌ای!»





Scanned with CamScanner







دوباره سوار مترو شدیم که برگردیم خانه.

بابابزرگ چرتی زد، اما من نه!

برای اینکه مامان کت و شلوارم را ببیند **ثانیه شماری** می‌کردم.

من و بابابزری خیلی از خریدمان راضی بودیم.

